

فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

سال ششم، شماره سیزدهم

بهار و تابستان ۱۳۹۱

از اوست، آن چه در اوست؛ گزارش سرقت یک تصحیح (؟)

دکتر هادی اکبرزاده**

چکیده

کتاب *فیه‌ما‌فیه* بارها در ایران و خارج از کشور به چاپ رسیده است؛ مشهورترین چاپ آن، با تصحیح و تعلیقات استاد بدیع‌الزمان فروزانفر است که ابتدا در سال ۱۳۳۰ شمسی در دانشگاه تهران به چاپ رسید و چاپ دهم آن را در سال ۱۳۸۴ انتشارات امیرکبیر منتشر کرده است.

نگارنده، چندی پیش به چاپ دیگری از تصحیح این کتاب (نوبت دوم: ۱۳۸۶) آگاهی یافت و به مطالعه آن تحریض شد و در لابه‌لای غور در این اثر سترگ ادب پارسی در هیئت جدید، هرچه پیش رفت، تشابهاتی بس وثیق با متن منقح استاد فروزانفر یافت و ناخودآگاه در ذهنش خطور کرد که این تصحیح جدید، در واقع، حروف-چینی جدیدی از متن چاپی استاد فروزانفر است که با عنوان تصحیحی جدید (؟)، نام مصححی دیگر در روی جلد کتاب (*فیه‌ما‌فیه* / مولانا جلال‌الدین محمد بلخی / تصحیح دکتر میترا مهرآبادی) بر تارک آن می‌درخشد. آنچه در این جستار بدان پرداخته شده است گزارشی از این سرقت است.

واژگان کلیدی: سرقت، فیه‌ما‌فیه، تصحیح جدید، بدیع‌الزمان فروزانفر، میترا مهرآبادی.

مقدمه

کتاب فیه‌مافیه، بارها در ایران و خارج از کشور، به چاپ رسیده است که مشهورترین چاپ آن با تصحیح و تعلیقات استاد بدیع‌الزمان فروزانفر است که ابتدا در سال ۱۳۳۰ شمسی در دانشگاه تهران، به چاپ رسید و چاپ دهم آن را در سال ۱۳۸۴، انتشارات امیرکبیر منتشر کرده است. چاپ‌های دیگر آن در ۱۹۲۸ در اعظم‌گره هند، ۱۳۱۸ در شیراز، ۱۳۳۴ در تهران و جاهای دیگر نیز فراهم شده است. (سبحانی، ۱۳۸۸: چهارده)

بنابه گفته دکتر توفیق هـ سبحانی، بیش از ۴۰ نسخه خطی از فیه ما فیه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها آمده و بسیاری از نسخه‌ها نیز از نظر فهرست‌نویسان دور مانده است و اگر دقیق‌تر در فهرست نسخ کتابخانه‌های جهان، جستجو و بررسی شود، نسخه‌های بیشتری از این کتاب پیدا خواهد شد. (همان)

استاد اندیشمند، جناب آقای دکتر محمد علی موحد، که خود مشغول تصحیح این کتاب است در نشستی به بیان نکاتی درباره نسخه‌های چاپ شده فیه‌مافیه پرداخته و گفته‌اند که «بهترین و کامل‌ترین نسخه فیه‌مافیه، هنوز همان است که به همت مرحوم فروزانفر و تحقیقات پراج او در سال ۱۳۳۰ چاپ شده است. ایشان در چاپ این کتاب، از همکاری محققینی چون دکتر معین، مدرس رضوی و دکتر ذبیح‌الله صفا برخوردار بوده است. تصحیح مجدد این کتاب، همتی دیگر می‌طلبد که بنده مشغول آن هستم و شنیده‌ام که جناب آقای دکتر توفیق سبحانی، هم این کار را کرده‌اند. مرحوم عبدالباقی گلپینارلی - از پیشگامان مولانا‌پژوهی - همراه با مرحوم فروزانفر، دو نفری هستند که پژوهش درباره مولانا را مدیون آن‌ها هستیم. ایشان، بیش از ۳۰ مورد را برشمرده و گفته است که لغزش‌های مرحوم فروزانفر در فیه‌مافیه آن قدر زیاد است که این کتاب را غیر قابل استفاده کرده است. به نظر من، این داوری کمی غیرمنصفانه است. البته کار فروزانفر نیاز به بازنگری دارد و خودش هم این را قبول داشته است.»



دکتر توفیق ه. سبحانی، که با تصحیح مطالب نواز دو نسخه فیه مافیة که در قونیه وجود دارد، بخش باقی مانده این کتاب را با تعلیقاتی جدید تکمیل کرده و همراه با پیوست های نویافته از طرف نشر پارسه، به چاپ رسانده است انسان درباره تصحیح استاد فروزانفر، می گوید: بزرگی چون مرحوم بدیع الزمان فروزانفر با دقت بسیار و تتبع در کتاب فیه مافیة مولانا، تمام تلاش خود را کرد تا نکته و سخنی ناگفته باقی نماند. (همان: بیست)

نگارنده این جستار، چندی پیش به چاپ دیگری از تصحیح این کتاب (نوبت دوم: ۱۳۸۶) برخورده یافت و به مطالعه آن تحریض شد و در لابه لای غور در این اثر سترگ ادب پارسی در هیأت جدید، هرچه پیش رفت، تشابهاتی بس وثیق با متن منقح شده استاد فروزانفر، یافت و ناخودآگاه در ذهنش خطور کرد که این تصحیح جدید، در واقع، حروف چینی جدیدی، از متن چاپی استاد فروزانفر است که با عنوان تصحیحی جدید (؟) نام مصححی دیگر بر تارک آن می درخشد. در روی جلد کتاب آمده است: فیه مافیة / مولانا جلال الدین محمد بلخی / تصحیح دکتر میترا مهرآبادی.



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

۳

از اوست، آن چه در اوست: گزارش سرقت یک تصحیح (؟)

با گشودن کتاب و مرور آن، با کمال تعجب دریافتم که صفحه عنوان، دقیقاً همان صفحه اول چاپ استاد فروزانفر است، با این تفاوت که در آن با اندکی تغییر افزوده شده. تصحیح مجلد: دکتر میترا مهرآبادی.



مندرجات صفحه پشت عنوان، هم مبهم بود. در صفحه شناسنامه کتاب که بسیار آشفته به نظر می رسد با دوبار



فهرست نویسی مواجه می‌شویم که دکتر مهرآبادی یک بار کار خود را تصحیح جدید و بار دیگر نام خود را به عنوان مصحح آورده است:



بر اساس شیوه‌های رایج در تصحیح متون، نگارنده این سطور با مطالعه این تصحیح، به دنبال پاسخ سوالاتی بود که در ذهن داشت:

- مصحح جدید چه نسخه یا نسخه‌های جدیدی را بعد از استاد فروزانفر،

دیده است؟

- آیا مصحح، نسخه‌های در دسترس استاد فروزانفر را دیده است؟ نسخه

اساس او کدام است؟

- شیوه‌ای که مصحح جدید در تصحیح فیه‌ما‌فیه در پیش گرفته، چه بوده و

نسخه اساس او چیست؟

- مصحح جدید، چه نیازی احساس کرده که به تصحیح مجدد این اثر دست

یازیده است؟ چرا متن را تصحیح کرده و آیا مصحح جدید، توانسته برخی از

ضبط‌های نامفهوم و نامنقوط نسخه‌ها را با توجه به آگاهی‌های علمی و

استنباط‌های خود، منقوط و مفهوم کند؟ هم چنین بدخوانی‌ها و غلط‌خوانی‌های

چاپ‌های قبلی را رفع نماید؟ در تعلیقات کتاب، چه نکته تازه‌ای به چاپ‌های

پیشین افزوده و....



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

به بعضی از این سوالات، در پیشگفتار مصحح جدید، این گونه پاسخ داده شده است:

«کتاب حاضر، جدیدترین تصحیح از فیه مافیه-یکی از شاهکارهای مولوی- است؛ فیه مافیه، محصول اندیشه‌های مولوی، قبل از زمانی است که سرودن شعر را به طور پیگیر آغاز کند. این کتاب، مشتمل بر فصول متعددی در باب موضوعات مختلفه می‌باشد. هریک از آن فصول، در واقع، مربوط به یکی از جلسات بحث و مناظره مولوی با شاگردان و یارانش می‌شود. از این رو، به نثر فارسی و بعضاً عربی می‌باشد. در بسیاری از جاها، مطالب مطروح، شباهت فراوان به آنچه که در مثنوی به شعر آورده دارد. هرچه هست کاری ست بس دلنشین و متفاوت.

اما نخستین تصحیحی که از این کتاب به عمل آمد، توسط بدیع‌الزمان فروزانفر- مولوی شناس فقید - در بیش از نیم قرن پیش، بود. در آن کار، که چندین بار به چاپ رسید، تصحیح با استفاده از نسخه‌های خطی متفاوت بود که شرح آن در ادامه آمده است. لیک توضیحات لازمه را به صورت ملحقات، در پی‌نوشتی که در آخر کتاب قرار داشت، ذکر کرده بود که مطالعه آن، به دلیل این که توضیح هر مطلب، درست در همان صفحه، قابل دسترسی نبود، چندان قابل استفاده، جلوه نمی‌کرد. یکی دو تصحیح دیگر هم در سالهای اخیر از این کتاب، صورت گرفته که بر اساس کار فروزانفر نمی‌باشند.

کاری که اینک پیش رو است، کاملاً بر اساس تصحیح فروزانفر، می‌باشد؛ اما تمامی ملحقات آن، به صورت زیرنویس و درست در همان جایی، که باید قرار می‌گرفتند، قابل دسترسی و استفاده سریع محققان هستند. چاپ‌های قبلی از این کتاب فاقد نشانه‌گذاری‌های لازم بودند. اما در کار حاضر، نشانه‌های ویرگول، نقطه، دونقطه و... برای هرچه صحیح‌تر خواننده شدن متن، به حد وفور، به کار



رفته‌اند. رسم الخط کتاب، هم در حد اصولی و به همان اندازه‌ای که مصحح پیشین در نظر داشت - اگرچه خودش هم در مواردی به تمامی، رعایت نکرده بود - به همان شکل، حفظ شد. تنها مواردی، شامل برخی جداسازی‌های بایسته، که هیچ تغییری در تلفظ واژه‌ها نمی‌داد، انجام شد، نظیر: ازو ← از او، بتو ← به تو، برین ← براین، آنها ← آن‌ها، کتابست ← کتاب است، و مورد هر غیر ملفوظ: طویلها ← طویله‌ها؛ اما هر جا که ممکن بود تغییری در تلفظ داده شود، به همان صورت، حفظ شد، نظیر: اوست. در پایان کتاب، هم فهرست‌های جدیدی، شامل فهرست احادیث، کلمات بزرگان و امثال، اشعار عربی، اشعار فارسی، لغات و تعبیرات، اسامی رجال و نسوان، قبایل و اقوام و فرّق، اماکن و بلاد و کتب، فراهم آمده است.» (مهرآبادی، ۱۳۸۶: ۶-۷)



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

از اوست، آن چه در اوست: گزارش سرقت یک تصحیح (؟)

آن چه آمد پیشگفتار مصحح جدید [؟] است که بسیار کوتاه است و تمامی آن چیزی است که دکتر مهرآبادی، به چاپ استاد فروزانفر افزوده است. نگارنده این مقاله، با مطالعه دقیق و مقابله متن این چاپ با چاپ استاد فروزانفر، متوجه شد که در تصحیح دکتر مهرآبادی [؟] هیچ گونه تصحیح یا مقابله‌ای انجام نشده و مصحح جدید حتی یک نسخه خطی فیه‌ما‌فیه را ندیده است و تصحیح مرحوم استاد فروزانفر، که هشت نسخه خطی و چاپی در دست داشته و از شش نسخه خطی استفاده کرده، به نام خود منتشر ساخته است. دکتر مهرآبادی، تمام تصحیح استاد فروزانفر را بی‌هیچ افزود و کاستی، چاپ مجدد کرده و شناسنامه‌ای جعلی بر آن بر بسته است. اختلاف این دو چاپ، منحصرأً به تغییر نام استاد فروزانفر به دکتر مهرآبادی در روی جلد، صفحه شناسنامه، و حروف چینی جدید و ۲۹ سطر به عنوان پیشگفتار مصحح جدید در ابتدای پیشگفتار استاد فروزانفر، است. دکتر مهرآبادی، پیشگفتار استاد فروزانفر را بعد از پیشگفتار ۲۹ سطر خود عیناً نقل می‌کند و بدون هیچ تغییری متن فیه‌ما‌فیه تصحیح استاد فروزانفر را بعد از این

مقدمه، می‌آورد. تنها تفاوت این تصحیح، با تصحیح استاد فروزانفر - چنان که در مقدمه کوتاه مذکور آمده- این است که مصحح جدید، حواشی و تعلیقات استاد فروزانفر را بدون هیچ کم‌وکاست، به پاورقی متن آورده است. طرفه این که مصحح جدید که در واقع، حروف چینی جدیدی از چاپ امیرکبیر به دست داده آن قدر به متن استاد فروزانفر وفادار مانده، که حتی بعضی از اغلاط چاپی را، که در آیات قرآن در چاپ استاد فروزانفر به چشم می‌خورد، ندیده و لااقل زحمت مقابله آیات متن را با قرآن، به خود نداده است و حرکات نادرست کلمات بعضی از آیات، دقیقاً همان حرکات چاپ استاد فروزانفر است. آن چه در ذیل می‌آید حاصل مقابله و مطالعه این تصحیح است:

- چند تغییر نادرست در متن چاپی استاد فروزانفر:

مصحح، در تصحیح جدید خود در پاورقی بدون دیدن نسخه اصل، متن را تغییر داده و در پاورقی توضیح داده که نسخه اصل، چیز دیگری است و از این گونه موارد فقط به سه مورد می‌توان اشاره کرد که فقط در این سه مورد، متن چاپی دکتر مهرآبادی با تصحیح استاد فروزانفر تفاوت دارد:

۱- در چاپ استاد فروزانفر ص ۳ آمده است: «با خود می‌گفتند که ما چنین کنیم مسلمانان را چنین بشکنیم و مقهور گردانیم و بر خود، قادری از شما قادرتر نمی‌دید و قاهری بالای قهر خود نمی‌دانستید...» (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۳)

مصحح جدید، که نسخه اصل را ندیده در متن آورده: «...قادری از شما قادرتر نمی‌دید...» (مهرآبادی، همان: ۲۳) و در پاورقی آورده: نسخه اصل: نمی‌دید (مصحح). مصحح جدید متن را غیر از آن چه استاد فروزانفر آورده ثبت کرده است. در چاپ دکتر سبحانی «نمی‌دیدیت» است که صحیح‌تر به نظر می‌رسد. (سبحانی، همان: ۳)





۲- در جایی دیگر در متن استاد فروزانفر، دست برده و به اشتباه، متن را تغییر داده است: «یعنی از این رو امّیش می گفتند که خطّ و علم و حکمت او مادرزاد بود، نه مکتسب است.» (مهرآبادی، همان: ۲۲۷)

در متن استاد فروزانفر: «... مادرزاد بود، نه مکتسب.» (فروزانفر، همان: ۱۴۲) عبارت «نه، مکتسب است» در هیچ نسخه‌ای نیست و ظاهراً مصحح جدید، خود، آن را تصحیح قیاسی نموده و بدون هیچ دلیلی در متن چاپی استاد فروزانفر، دست برده است.

۳- در یک مورد دیگر نیز، متن، فارغ از عنایت لازم به معنی، تغییر داده شده: «نمرود گفت که: من نیز یکی را معزول کنم؛ چنان است که او را می‌رانیدم. و یکی را منصب دهم؛ چنان باشد که او را زنده گردانیدم.» (مهرآبادی، همان: ۲۹۱)؛ در پاورقی آمده: متن: می‌رانیدم.

توضیح: مصحح متوجه نشده که متن، نیز با پاورقی یکی است. متن و پاورقی در متن چاپی ایشان، «می‌رانیدم» است. در متن استاد فروزانفر می‌خوانیم: «... چنان است که او را میرانیدم...» (ص ۱۹۰) که از جنبه معنی‌شناسانه کاملاً صحیح است. تصوّر می‌کنم در این جا توجّه کافی به تفاوت معنای «میراندن» و «می‌راندن» مبذول نگردیده و تقابلی «میراندن» و «زنده‌گردانیدن» در متن، مورد عنایت قرار نگرفته است. یکسانی متن و پاورقی یا در نتیجه خطای تایپی است و یا این که در واکاوی معنایی این عبارت فیه‌ما‌فیه، تعمّق لازم صورت نگرفته است.

- عدم اعراب‌گذاری فصل‌های عربی:

اهل فضل، به نیکی، مستحضرند که در لابه‌لای متون بر جای مانده از گذشتگان، به ویژه، آثار پربهای عرفانی، که به واقع، جواهر اسراری برای ما تالیان این وادی است، بهره‌وری از آیات و احادیث و سخنان گهربار بزرگان علم و معرفت، به وفور به چشم می‌خورد و پوشیده نیست که دریافت همه جانبه معانی



ژرف و پردامنه این ذره‌های نادره از لابه‌لای طنزهای زبانی، آن گاه حاصل می‌گردد که دانش‌پژوه ژرف‌نگر، با اشراف کامل به زوایای نهان و آشکار زبان و ادب عربی و ارتباط پردامنه آن با زبان و ادب پارسی، بتواند به عمق مضامین ناب آفرینشگران این آثار، دست یابد.

در این وادی، نخستین گام، درست خواندن و درست نوشتن این آثار گرانبهاست و پر واضح است که برای درست خواندن و به تبع آن درست فهمیدن، بایستی بتوانیم عبارات عربی را با اعراب کامل و درست، بخوانیم بفهمیم و به قلم آوریم.

متن پیش‌رو از کتاب شریف فیه‌مافیه، با اندوه فراوان، از اعراب عبارات عربی، عاری است و مانند تصحیح استاد همیشه جاودان، حضرت فروزانفر، که ۶۰ سال پیش، این متن را به دست داده‌اند، فصول عربی، فاقد اعراب است.

در اعراب‌گذاری جملات و عبارات عربی، علاوه بر درست خواندن، که بدان اشارت رفت، گاه زوایایی از زیباشناسی متن، نمایان می‌گردد که ناشکفته‌های بسیاری را از لابه‌لای سطور بر خواننده امروزین روشن می‌کند و این خود مقدمه و زمینه ترجمه شایسته عبارات عربی است به زبان پارسی که در صورت عدم توجه کافی بدان، گاه برداشت معنایی از متن به راهی ناروا می‌رود که با خواست و اراده مؤلف متن، فاصله دارد.

حال، تصحیح مورد بررسی، باز هم با تأسف بی‌پایان، علاوه بر فقدان اعراب‌گذاری، فاقد ترجمه فصل‌های عربی است که خود به شکل غیرقابل وصفی، ذهن را درگیر می‌کند که آیا اصول اولیه تصحیح متن در این جا مورد توجه و شناخت بوده است یا خیر؟

یکی از مواردی که عدم آشنایی مصحح جدید، با اصول تصحیح را می‌رساند و ادعای مصحح را نفی می‌کند عدم اعراب‌گذاری فصل‌های عربی است. اگر

دکتر مهرآبادی، سعی در استفاده سریع محققان از متن فیه‌ما فیه داشت، بهتر بود فصل‌های عربی را اعراب‌گذاری و لا اقل آنها را به فارسی معنی می‌کند نه این که تنها چند نقطه و ویرگول، آن هم به حد وفور (از مقدمه ایشان) به متن چاپی استاد فروزانفر بیفزایند.

مصحح، که متن تصحیح شده استاد فروزانفر را به نام خود رقم زده، حتی از اعراب‌گذاری فصول عربی (در متن فروزانفر نیز بدون اعراب است) سر باز زده و به پیروی از متن فروزانفر، فصل‌های عربی را بدون اعراب رها کرده است. (ر. ک: ص ۱۶۱، ۲۰۳، ۲۱۸، ۲۵۳، ۲۷۷ و ۲۷۹)

- عدم مراجعه به آیات قرآن:

مصحح جدید، آن قدر به متن استاد فروزانفر وفادار مانده که متأسفانه، گاه نشانی آیات را بدون دقت، به اشتباه از چاپ استاد فروزانفر نقل نموده و متوجه عدم صحت آنها نشده است؛ به عنوان مثال: در پاورقی صفحه ۲۶ در ذیل آیه شریفه «و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم...» همان ارجاع استاد فروزانفر را آورده: (قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۲۶). در صفحه ۲۴۰ چاپ استاد فروزانفر نیز این اشتباه دیده می‌شود که درست آن (قرآن کریم، سوره ۲، آیه ۲۱۶) است.

- فهرست مندرجات:

فهرست مندرجات متن مصحح جدید، همان فهرست چاپ استاد فروزانفر است و این که دکتر مهرآبادی ادعا کرده، فهرست جدیدی به چاپ استاد فروزانفر، افزوده نادرست است. شایان توجه است که در فهرست مندرجات دکتر مهرآبادی، فهرست اسامی کتب آمده است ولی در ص ۳۹۵ چاپ ایشان از این فهرست خبری نیست و کتاب ایشان ۳۸۴ صفحه بیشتر ندارد.





- غلط‌های چاپی:

با وجود رونویسی از متن استاد فروزانفر، اغلاط تایپی زیادی به متن دکتر مهرآبادی راه یافته است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

متن دکتر مهرآبادی	متن استاد فروزانفر
- به نماز شروع کردند و باری چند همچنان مستغرق حضور و مستهلک نور شیخ گشته بودند. (پاورقی، ص ۳۷)	- به نماز شروع کردند و <u>باری</u> چند همچنان مستغرق حضور و مستهلک نور شیخ گشته بودند. (ص ۲۴۷)
- و لو جَلَسَتْ اَتَانِي لَا يَعْثَبِيْنِي (ص ۲۸۲)	- و لو جَلَسَتْ اَتَانِي لَا يَعْثَبِيْنِي (ص ۱۸۳)
- غوغای ملخ و وبا و لکشر و غیر آن.... (۳۴۹)	- غوغای ملخ و وبا و لشکر و غیر آن... (۳۸۵)

- عدم رعایت فاصله و نیم فاصله:



گاه عدم رعایت نیم فاصله، موجب بدخوانی متن شده که مصحح جدید به آن توجهی نداشته است.

– هوی ناقتی خلفی و قَدْ اَمِيَ الْهَوَى (ص ۴۴) ⇨ «قدّامی» با هم است و نباید بین «قد» و «امی» فاصله باشد.

– نور بی صرفه دهد و عوع عوا شنوند (پاورقی، ص ۱۳۹) ⇨ و عوع بدون فاصله است.

– و کم من اناس ما توامن هذه الحسرة... (ص ۱۶۱) ⇨ ... ماتوا من...

– كان على قلبه الذّمن العسل و السكر. (ص ۱۶۳) ⇨ الذّ من

– و هو یریدان یدرک... (ص ۲۱۸) ⇨ یریدان...

– اجتهد فی حفظه و التذبه و لایمکنه... (ص ۲۱۸) ⇨ التذّ به

– بلادّ ما اردت و جدّت فیها (ص ۲۸۶) ⇨ و جدّت

– شهری که در او هرچه خواهی، بیابی، از خوب رویان و لذات و مشت‌های

طبع و آرایش گوناگون... (ص ۲۸۶) مشت‌های طبع ⇨ مشت‌های طبع. «مشت‌ها» و

«مشت‌ها» با هم متفاوتند و «ها» علامت جمع نیست و نمی‌توان آن را جدا نوشت.

– چشم‌ها در دودیدنی بسیار (ص ۳۴۸) ⇨ چشم‌ها درد و دیدنی بسیار

– بی توجهی در تطبیق پاورقی‌ها:

به عنوان مثال در صفحه ۴۸، تمام شماره‌های پاورقی و متن جا به جا آمده است.

– دست بردن در متن و اشتباه خواندن متن چاپی استاد فروزانفر:

فیه مافیہ: «ای مردک، خود در وهم تو چه خواهد گذشتن جز این کی مردمان، از وهم و خیال تو مستغنیند.» (مهرآبادی، همان: ۱۵۷)

«جز این کی» که در متن آمده در هیچ نسخه‌ای نیست و نسخه ظ، «جز اینکه» دارد. دکتر مهرآبادی، متن را از چاپ استاد فروزانفر نتوانسته بخواند و به دلخواه خود آن را تغییر داده است. در چاپ استاد فروزانفر (ص ۹۱) عبارت این گونه آمده است: «ای مردک، خود در وهم تو چه خواهد گذشتن جز بنکی، مردمان از وهم و خیال تو مستغنیند.»

که در چاپ دکتر سبحانی بجای «بنکی»، «بنگی» آمده است: «ای مردک، خود در وهم تو چه خواهد گشتن جز بنگی. مردمان، از وهم و خیال تو مستغنیند.» (ص ۸۳) است که درست‌تر به نظر می‌رسد. مصحح جدید «جز بنگی» را «جز این کی» خوانده است.



بخش‌هایی از متن، که دکتر مهرآبادی نادرست خوانده، در زیر می‌آید:

چاپ دکتر مهرآبادی	چاپ استاد فروزانفر	درست
- و علی ابصارهم غشاوة (ص ۵۹)	- درست	- و علی ابصارهم غشاوة
- خَمَرَ طِينَةَ آدَمَ... (ص ۵۹)	- خَمَرَ طِينَةَ آدَمَ... (ص ۲۷)	- خَمَرَ طِينَةَ آدَمَ
- ما نُنَزَّلَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (ص ۶۳)	- ما نُنَزَّلَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (ص ۶۳)	- ما نُنَزَّلَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ
- فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ (ص ۷۲)	- درست	- فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ
- و آن مقصود، مضاعف شد و افرون گشت... (ص ۸۳)	- و آن مقصود، مضاعف شد و افرون گشت... (ص ۴۲)	- افزون گشت
- ما نُنَزَّلَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (ص ۱۱۰)	- ما نُنَزَّلَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (ص ۶۲)	- ما نُنَزَّلَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ
- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ (ص ۱۳۷)	- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ (ص ۷۹)	- فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
- فَأَحْبَبْتُ بَانَ أَعْرَفَ (ص ۱۳۷)	- فَأَحْبَبْتُ بَانَ أَعْرَفَ (ص ۱۳۷)	- فَأَحْبَبْتُ بَانَ أَعْرَفَ
- نحنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ... (ص ۱۸۸)	- نحنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ (ص ۱۴۴)	- نحنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ
- أَخْرَوْهُمْ مِنْ... (ص ۱۹۸)	- أَخْرَوْهُمْ مِنْ... (ص ۱۲۲)	- أَخْرَوْهُمْ مِنْ...
- كنت له سمعا و بصر و يدا و... (پاورقی، ص ۲۰۰)	- كنت له سمعا و بصر و يدا و... (ص ۳۱۳)	- شلاء (سبحانی، ص ۱۱۵)
- بقیت من ابیک یدا شلاء و وجدت دواء (ص ۲۰۳)	- بقیت من ابیک یدا شلاء و وجدت دواء (ص ۱۲۴)	- هرکه را تمییز هست، برخوردار شد و هر که را تمییز...
- احصیناه فی امام مبین (ص ۲۰۵)	- درست	- فلولا إذ جاءهم ... قَسَتْ
- هرکه را تمییز هست، برخوردار شد و هر که را تمییز... (ص ۲۳۴)	- هرکه را تمییز هست، برخوردار شد و هر که را تمییز... (ص ۱۴۸)	- قُلُوبِهِمْ
- فلولا إذ جاءهم ... قَسَتْ قُلُوبِهِمْ (ص ۲۳۹)	- فلولا إذ جاءهم ... قَسَتْ قُلُوبِهِمْ (ص ۱۵۱)	- و زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ... (ص ۱۵۱)
- و زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ... (ص ۲۳۹)	- و زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ... (ص ۱۵۱)	- فرأی
- فدخل اليهودی ليعزى اهله قرأی فی البيت... (ص ۲۷۹)	- فدخل اليهودی ليعزى اهله قرأی فی البيت... (ص ۱۸۱)	- این خطاست. چرا؟ زیرا که آدمی گوشت می‌خورد و آن حیوان نیست.
- این خطاست. چرا؟ زیرا کی آدمی گوشت می‌خورد؟ و آن حیوان نیست. (ص ۲۹۱)	- این خطاست چرا زیرا کی آدمی گوشت می‌خورد و آن حیوان نیست. (ص ۱۹۰)	- وَ بَضِئُهَا تَتَّبِنُ الْأَشْيَاءَ.
- وَ بَضِئُهَا تَتَّبِنُ الْأَشْيَاءَ. (ص ۲۹۴)	- وَ بَضِئُهَا تَتَّبِنُ الْأَشْيَاءَ. (ص ۱۹۲)	

نیز: الأ (ص ۲۱۴) ← أَلَا ؛ سَيَاتِهِمْ (ص ۲۱۴) ← سَيَاتِهِمْ ؛ تَجَبَّنَا (ص ۲۱۶) ← تَجَبَّنَا؛

كَلِمًا بَدَلَتْ (ص ۲۱۷) ← كَلِمًا بَدَلَتْ.



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

– استفاده نابجا از علائم نگارشی:

به علت عدم تسلط بر معنای متن، غلط‌های نگارشی، دستوری و گاه استفاده نابجا از نقطه، موجب نادرستی متن شده که به عنوان نمونه به بعضی از آنها اشاره می‌شود. مصحح جدید، باید لااقل یک بار، متن را بدون توجه به چاپ استاد فروزانفر می‌خواند و یا زحمت مقابله دقیق آن متن را با چاپ استاد فروزانفر، به ویراستاری آگاه می‌سپرد تا علاوه بر این که چاپ استاد فروزانفر، مثله نمی‌شد؛ متنی پیراسته و عاری از اشکالات ویرایشی به دست می‌دادند؛ به طور مثال به چند مورد اشاره می‌شود که استفاده نابجا از نقطه، موجب نادرستی متن شده است:

- عالم از روی لغت، این باشد که از عارف. عالی‌تر باشد. (ص ۸۹) ◀ عالم از روی لغت، این باشد که از عارف عالی‌تر باشد.
- فاذا. کنت فی قهره... (ص ۱۶۲) ◀ فاذا کنت فی قهره...
- نعم یصح. ان یقول... (ص ۲۰۴) ◀ نعم یصح ان یقول...
- یکی پهلوی تو نشسته است و آن کتاب را کژ می‌خواند. هیچ توانی آن را تحمل کردن؟ (ص ۲۱۱) ◀ ... می‌خواند، هیچ...
- چون صورت، فرع باشد او را. فرع نتوان گفتن. (ص ۲۲۲) ◀ چون صورت، فرع باشد، او را فرع نتوان گفتن.
- هر که رضای حق طلبد، این جهان و آنجهان، با پیغامبران است و همخوابه. اولئک مع النبیین و... (ص ۲۸۳) ◀ همخوابه اولئک من... و گاه استفاده نابجا از ویرگول، موجب نادرستی متن شده است:
 - ◻ اگر اندکی از عظمت آن راه یابد نه، عین و نه مخرج عین مآند، نه دست مآند و نه همّت مآند. (ص ۲۰۱) ◀ نه عین و نه مخرج عین مآند.
 - ◻ چون ذکر مردمان و خیال مردمان در، این دنیا، لابد و ناگزیر است... (ص ۳۰۲) ◀ ... در این دنیا...





□ و به عیش و وصل و کنار م، شغول گشتند. (ص ۳۰۴) □ مشغول
 □ اگرچه به صورت تس، بیح و تهلیل کند... (ص ۳۰۹) □ تسبیح
 □ فلان را سخن د، ست می دهد. (ص ۳۲۲) □ دست
 □ سایه عقل کلی که موجودات است مناس، ب اوست. (ص ۳۲۶) □ مناسب
 - گاه در تصحیح متن، به علت وفاداری به متن استاد فروزانفر، ابیات را
 نادرست خوانده است:

در ص ۲۰۴ متن دکتر مهرآبادی آمده است:

کعبه را جامه کردن از هوس است یاءِ بیتی حمال کعبه بس است.

در چاپ استاد فروزانفر نیز «حمال» آمده است که درست آن «جمال» است.
 مصحح جدید، بدون توجه به معنی بیت، عیناً اشتباه چاپی متن فروزانفر را در
 ممتن خود آورده است.

- عدم آشنایی به زبان عربی:

یکی از مشکلات حروف چینی دکتر مهرآبادی عدم آشنایی ایشان به زبان
 عربی است؛ در این اثر، نه تنها اعراب گذاری فصل های عربی انجام نشده بلکه
 مصحح جدید، در خواندن متن چاپی استاد فروزانفر هم مشکل داشته است که به
 نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

□ و انت تأخذ ذلک الشَّفَقَةُ... (ص ۱۶۲) □ تأخذ

□ و هو مقام الانبياء و الاولياء و لا يحيىء اليك مكروه... (ص ۱۶۳) □ لا

یجییء (ف: ص ۹۶؛ سبحانی: ص ۸۸)

□ و بضدّها تَبَيَّنُ الاشياء (ص ۲۰۶) □ الاشياء درست است چون الاشياء

فاعل است.



□ فَإِنَّ نَوْرَكَ اطْفَاءَ نَارِي (ص ۲۰۹) □ أَطْفَأَ درست است.
 □ إِنَّ لَكُمْ أَمَامًا فَعَالٌ خَيْرٌ إِلَيْكُمْ مِنْ أَمَامٍ قَوْلٍ. (ص ۲۱۰) (نیز در چاپ استاد
 فروزانفر، ص ۱۲۹) □ إِنَّ لَكُمْ أَمَامًا فَعَالًا خَيْرٌ إِلَيْكُمْ مِنْ أَمَامٍ قَوْلٍ.
 □ فَمَنْ شَاءَ فَلْيَنْظُرْ إِلَى فَمَنْظَرِي / نَذِيرٌ... (ص ۲۱۱) (نیز در چاپ استاد
 فروزانفر، ص ۱۲۹: فَمَنْظَرِي) □ فَمَنْظَرِي درست است.
 □ الْكَافِرُ بِأَكْلِ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءِ (ص ۲۱۹) □ الْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءِ
 □ عَارِفٌ، جَامِهٌ بَدْرِيْدٌ كَهْ وَوَاوِ بِلْتَاهُ، بِيْسْتُ سَالِ عَمْرٍ مِنْ... بِهْ بَادِ رَفْتِ. (ص
 ۲۴۸) □ وَوَاوِ بِلْتَاهُ

□ إِنِّي لَأَشْكُو خُطُوبًا لَا أُعِينُهَا (ص ۲۴۹) □ إِنِّي لَأَشْكُو خُطُوبًا لَا أُعِينُهَا
 □ ح افزوده: ابدأ بمن تعول (پاورقی ص ۲۶۶) □ ابدأ بمن تعول
 □ تَكْفَلُ إِلَهُ أَنْ يَطْهَرَ رُوحَهُ عَنِ اغْرَاسِ الشَّرْكِ الْقَلِيلِ. عِنْدَ اللَّهِ كَثِيرٌ... (ص ۲۸۰)
 □ عَنِ اغْرَاسِ الشَّرْكِ الْقَلِيلِ عِنْدَ اللَّهِ كَثِيرٌ... الْقَلِيلُ لِإِجْرَائِهِ جَمَلَةٌ بَعْدَ مَبْتَدَأِ اسْتِ.
 ایشان «شرك القليل» خوانده که نادرست است.

□ الدُّنْيَا كَحُلْمٍ النَّائِمِ. (ص ۲۸۴) □ كَحُلْمِ
 □ شَتَّانَ بَيْنَ؛ أَنْ مَسْبُوحٍ وَ إِيْنِ مَسْبُوحٍ. (ص ۳۰۵) نقطه ویرگول بعد از «بَيْنَ»، متن
 را نادرست کرده.

- گاه مصحح جدید، واژه‌ای را به اشتباه به متن، افزوده است:
 □ نَظْرٌ أَوْ بَرِّ مَهَارِكُنْدَه نِيْسْت. لِأَجْرَمِ سَنَسِيْمُهُ عَلَي الْخَرْطُومِ... (ص ۲۱۷)
 □ كَلِمَةٌ لِأَجْرَمِ دَرِ هِيْجِ نَسْخَه‌ای نِيْسْت.

- نادرست خوانی متن:

□ پيش خليفه، رقاصه‌ای شاهد، چارپاره می‌زد. خليفه گفت که: فِي يَدَيْكَ
 صُنْعَتُكَ. قَالَ: فِي رِجْلِيَّ يَا خَلِيْفَةَ رَسُوْلِ اللَّهِ. خوشی در دست‌های من، از آن



است که آن خوشی، پا در این مضمّر است. (ص ۳۱۰) «قال» اشتباه است چون رقاچه مونث است و درست آن «قالت» است. نیز «خوشی، پا در این مضمّر است» نادرست خوانده شده و درست آن «خوشی پا در این مضمّر است» می‌باشد.

□ و تجویز نقصان بر وی، سلب کمال و مصالح عام و بطالت جهان، است. (ص ۳۴۳) ⇨ در متن استاد فروزانفر: مصالح عالم (ص ۳۸۱) است که درست است.

□ اول آن دری که می‌گویی، بازکردم که دعای تو پیش ما مستجاب است ... (ص ۳۴۶) ⇨ اول آن دری که می‌گویی... (فروزانفر، ص ۳۸۲)

□ تمام نعمت ملک محبت است. اول، نعمت توفیق طلب محبت است. (ص ۳۴۸) ⇨ اول نعمت توفیق طلب، محبت است.

- درست نخواندن اشعار:

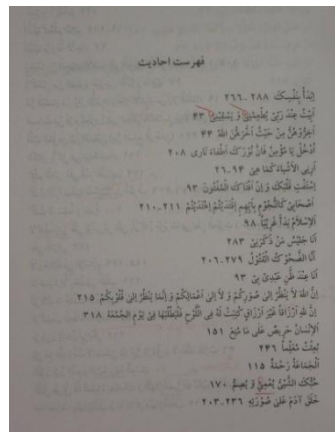
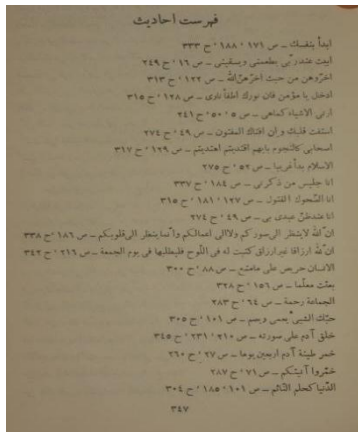
□ او قبله آن است و از آن مستغنیست. (ص ۳۵۹) ⇨ درست آن: وزان/ وز آن (وزن مصراع همزه آغازین از را حذف می‌کند.)

اگر کسی، اندک آشنایی با تصحیح متن داشته باشد با دیدن چاپ جدید دکتر مهرآبادی از فیه‌مافیه درمی‌یابد که این اثر، فقط حروف چینی جدید و سرقت تصحیح استاد فروزانفر، است نه تصحیح مجدد آن. استاد فروزانفر در مقدمه تصحیح فیه‌مافیه، در مورد دشواری تصحیح و مقابله آن می‌نویسد: «در مقابله نخستین آن، از معاضدت و مساعدت دوست گرامی و دانشمند فاضل، آقای محمد تقی مدرس رضوی استاد دانشگاه تهران کثر الله امثاله برخوردارم کامل یافت و چون مقابله کتاب، بعون الله تعالی در ۱۳۲۷ خاتمت پذیرفت به جهت توضیح بعضی لغات و تعبیرات و مدارک احادیث و کلمات مشایخ و گویندگان اشعار عربی و پارسی و پاره‌ای فوائد دیگر مربوط به متن بخصوص از لحاظ تطبیق آن با مثنوی بقدر فهم قاصر و تتبع ناقص خود، ذیلی بر کتاب تعلیق نمود تا مطالعه کنندگان را هنگام مطالعه از مراجعه به مدارک و مآخذ متعدد و مختلف،

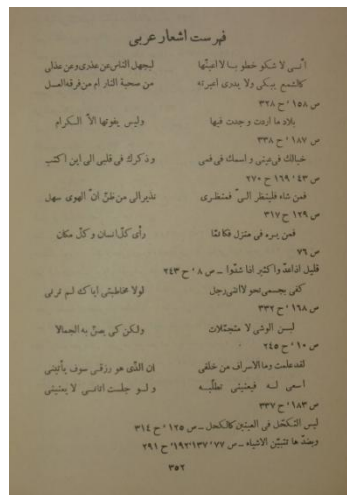
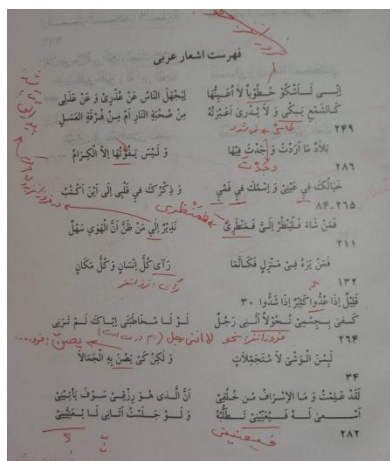
بی‌نیاز گرداند و از صرف عمر درین راه دور و دراز، رهایی بخشد و هم به جهت تسهیل مراجعه، فهرستی برای احادیث و کلمات مشایخ و امثال و اشعار عربی و فارسی و نوادر لغات و تعبیرات هریک جداگانه مرتب ساخت تا وقت شریف متبتعان و پژوهندگان در مراجعه مکرر به صفحات و اوراق، ضایع نگردد و فهرست اسماء رجال و نساء و اماکن و قبائل و کتب را دوست فاضل گرامی، آقای ذبیح الله صفا، از جوانان بسیار دانشمند و پاکدل، ایده الله تعالی، فراهم آورد و کتاب حاضر آماده انتشار گردید...» (مقدمه استاد فروزانفر، صفحه: یا)

آن گاه خانم مهرآبادی در مقدمه کوتاه، خود می‌گوید: «در پایان کتاب هم فهرست‌های جدیدی، شامل فهرست احادیث، کلمات بزرگان و امثال، اشعار عربی، اشعار فارسی، لغات و تعبیرات، اسامی رجال و نسوان، قبایل و اقوام و فرق، اماکن و بلاد و کتب فراهم آمده است.» (ص ۶) در رد این ادعا، که فهرست‌های پایان کتاب خود را جدید خوانده باید گفت هیچ یک از این فهرست‌ها، جدید نیست و ایشان حتی یک مدخل تازه به هیچ کدام از فهرست‌های استاد فروزانفر نیفزوده‌اند و برای اثبات این مطلب یکی از این فهرست‌ها را در چاپ ایشان و استاد فروزانفر مقایسه می‌کنیم:

□ فهرست احادیث: این فهرست در چاپ استاد فروزانفر و دکتر مهرآبادی کاملاً یکی است.



تصویر فهرست اشعار عربی در دو چاپ:



یکسانی نسخه بدلهای در دو چاپ:

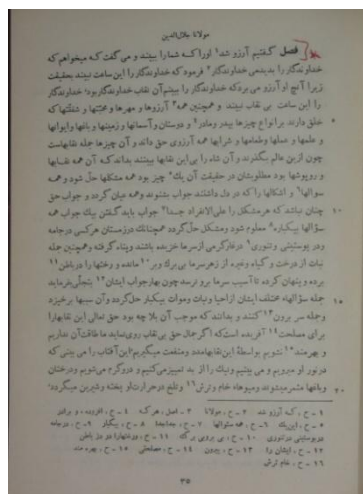
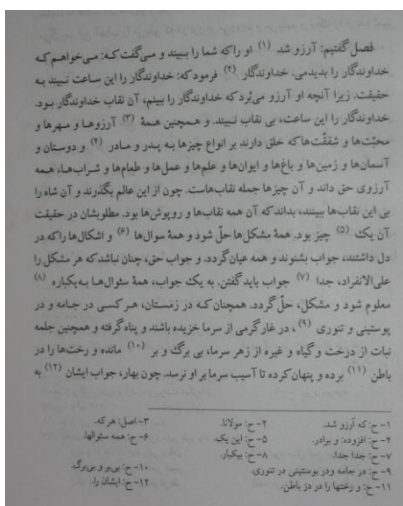
برای مقابله نسخه بدلهای این دو چاپ؛ تصویری از چاپ دکتر مهرآبادی و

استاد فروزانفر را کنار هم می آوریم:



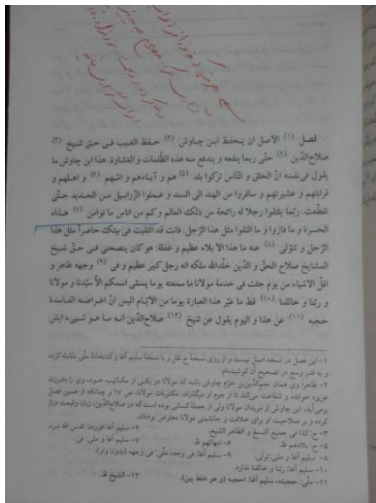
فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

از اوست، آن چه در اوست؛ گزارش سرقت یک تصحیح (؟)



جالب این جاست که دکتر مهرآبادی، بدون این که نسخه اصل، نسخه ح، نسخه سلیم آغا و کتابخانه ملی را دیده باشد، آورده: «این فصل، در نسخه اصل نیست و از روی نسخه ح نقل و با نسخه سلیم آغا و کتابخانه ملی، مقابله کرده و

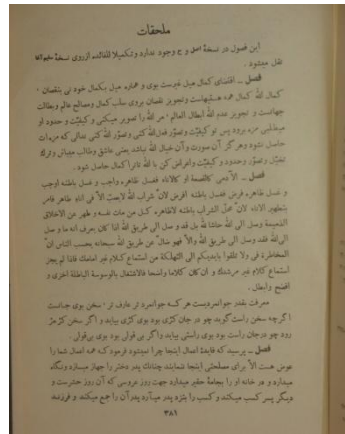
بقدر وسع در تصحیح آن کوشیده‌ام.» که این سخن از پاورقی استاد فروزانفر نقل شده و اگر کسی چاپ استاد فروزانفر را ندیده باشد تصور می‌کند مصحح جدید (؟) این همه نسخه را دیده است حال آن که این سخن استاد فروزانفر است که می‌گوید: این فصل در نسخه اصل نیست و...



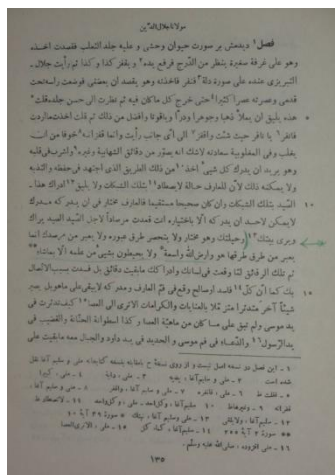
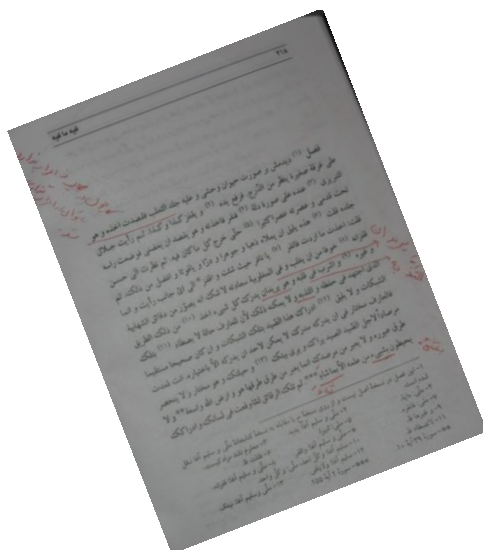
فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی

از اوست، آن چه در اوست: گزارش سرقت یک تصحیح(؟)

در ص ۳۴۳ ملحقات، آمده است و دکتر مهرآبادی می‌آورد: «این فصول، در نسخه اصل و ح وجود ندارد و تکمیلًا للفائده از روی نسخه سلیم‌آغا نقل می‌شود.» در صفحه ۳۸۱ چاپ استاد فروزانفر نیز عینًا این مطلب آمده است که تصویر هر دو چاپ در زیر می‌آید:



نمونه‌ای دیگر از پاورقی و نسخه‌بدل‌های همانند:



در پایان متذکر می‌شود حرمت قلم این اجازه را نمی‌دهد که از تعابیر مرسوم اجتماعی در این باره بهره برده شود اما باید گفت: «جای بسی شگفتی است که این سرقت بی‌شرمانه، رسماً در کتابخانه ملی ایران به ثبت رسیده و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم کسب مجوز کرده است. اگر پلیس کسی را بر دیوار خانه دیگران ببیند، می‌داند که بی‌درنگ او را دستگیر می‌باید کرد و به مرجع رسیدگی به قانون می‌باید سپرد اما اگر شبروی بر بام کوشش دیگران برآید و اندوخته فرهنگی او را بریاید، در که باید آویختن؟ و از گزند یغماگران پژوهش به کجا باید گریختن؟ مؤلفان و مصححان دروغین را چه کسی بند برخواهد نهاد؟ آنها را به که باید سپرد؟ و چه عقوبتی در انتظار آنهاست؟ پلیس فرهنگی این مرز و بوم کیست؟ سالهاست که از این دستبرد و قیحانه می‌گذرد. برای عامل این سرقت چه مجازاتی مقرر شده است؟ حقوق مصحح حقیقی و ناشر اثر را کدام مرجع پاس داشته است؟ آیا حریم دانش را حرمتی نیست؟ ناموس علم را آبرو بر باد دهند و غیرت فرهنگی قومی را ریشخند کنند و ما همچنان در مأمن تغافل، لبخند جهل بر لب هویدا کنیم؟» (ذاکراالحسینی، ۱۳۸۳: ۱۷۸)

در این میان بر نهادهای متولی امر هم چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فرض است که این متاع ربوده شده را به صاحب اصلی و ناشر حقیقی آن برگرداند و مجلات این حوزه نیز این عمل را بر طبل دو رویه زند تا دیگر کسی جرأت چنین کاری ننماید و مصححان و مؤلفان دروغین از کرده خود پشیمان شوند. خصوصاً که این اولین بار نیست که دکتر میترا مهرآبادی اقدام به رونویسی آثار دیگران با اندک تغییر به نام خود کرده‌اند که به عنوان مثال می‌توان از ایلیاد و اودیسه ترجمه مرحوم نفیسی و یا رستم‌التواریخ.... نام برد که به شکل مشابهی و با تغییرات اندک به نام خود چاپ نموده‌اند. حتی اخیراً متوجه شدم استفاده از عنوان دکتر که وی برای خود بر روی این آثار استفاده می‌کنند نیز ظاهراً جعلی می‌باشد زیرا با جستجو در سایت دانشگاه فردوسی مشهد که وی عضو تمام وقت آن دانشگاه می‌باشند، متوجه شدم که وی عنوان مربی (فوق لیسانس) دارند و با همین عنوان مربی در گروه تاریخ در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول تدریس می‌باشند. شگفتا که مسئولین دانشگاه فردوسی مشهد نیز در مقابل این سوء استفاده از عنوان دکتری در آثار خود سکوت کرده‌اند.

فهرست منابع

- ❖ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، ۱۳۸۶، فیه‌ما‌فیه، تصحیح دکتر میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
- ❖ _____، ۱۳۶۹، فیه‌ما‌فیه، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.
- ❖ _____، ۱۳۸۸، فیه‌ما‌فیه، تصحیح توفیق ه سبجانی، تهران: کتاب پارسه.
- ❖ مایل هروی، نجیب، ۱۳۶۹، نقد و تصحیح متون، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ❖ ذاکرالحسینی، محسن، گزارش سرقت یک تألیف، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال هفتم، شماره ۷، اردیبهشت ۱۳۸۳.



فصلنامه تخصصی مولوی پژوهی



فصلنامه تخصصی مولوی

۲۴

از اوست، آن چه
اوست؛ گزارش س
یک تصحیح (؟)